

تعارض نخبگان سیاسی و راهبردهای مدیریت آن

دکتر یوسف ترابی،* عبدالرضا فاضلی**

تاریخ دریافت ۹۱/۴/۱۴	تاریخ پذیرش ۹۲/۲/۲۱
----------------------	---------------------

نقش مؤثر نخبگان سیاسی در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها مقوله‌ای مورد توجه است و تحقق این نقش مثبت تا حدود زیادی در گرو انسجام فکری و اجماع نظر کلان آنها در عرصه‌های نظری و اجرایی می‌باشد. این انسجام و اجماع در کنار پرهیز از منازعات و تعارض‌های مخرب؛ عقلانیت و خردمندی در سیاست‌ورزی را نشان می‌دهد که آثار و برکات مثبتی به دنبال دارد. این امر در نظام جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و اصل متریقی ولایت فقیه) از اهمیت مضاعفی برخوردار است. بروز و ظهور تعارض در میان نخبگان سیاسی و رؤسای قوای سه‌گانه از مهم‌ترین مسائل نظام سیاسی است که عمده‌ترین آثار آن تضعیف کشور و هدر رفتن توانایی‌ها، استعدادها و سرمایه‌های ملی می‌باشد. تعارض نخبگان سیاسی عمدتاً ریشه در برداشت‌های متفاوت آنان از قوانین و مقررات، و در آموزه‌های قرآنی سرکشی، جهالت، دنیاطلبی، تکبر، حسادت، سوءظن، نفاق، باندبازی و افسراط و تفریط دارد. برای مدیریت تعارض هم راهبردهای اثربخشی همچون اصلاح ذات‌البین، کناره‌گیری، پذیرش و همراهی، مصالحه، رقابت، و همکاری از طریق تکنیک‌های گفت‌وگو، مذاکره، کدخدامنشی و ... پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نخبگان سیاسی؛ تعارض؛ مدیریت حل تعارض؛ نهادهای حل تعارض؛ راهبردهای حل تعارض

* استادیار دانشگاه علوم انتظامی، پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)؛

Email: utorabi14@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

Email: r_fazeli@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره هفتادودو، زمستان ۱۳۹۱

مقدمه

نخبگان و خواص (به خصوص نخبگان سیاسی) از دیرباز تاکنون نقش مهمی در تحولات جوامع در ابعاد مختلف داشته و دارند؛ به همین دلیل بخشی از آموزه‌های دینی و به‌ویژه اسلامی و قرآنی به این مقوله مهم پرداخته است. در جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک نظام سیاسی مردم‌سالار از نوع دینی، نخبگان سیاسی از موقعیت برجسته‌ای برخوردار بوده و نقش بسزایی در تصمیم‌گیری‌های اساسی در ابعاد مختلف ایفا می‌کنند.

در این مقاله به‌عنوان پویشی علمی تلاش می‌شود ضمن بررسی مبانی نظری تعارض سیاسی و مدیریت آن، زمینه‌ها، عوامل و ریشه‌های تعارض و راهبردهای مدیریت آن در آیات و روایات مورد بحث قرار گیرد و با توجه به عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، راهکارها و راهبردهایی برای مدیریت بهینه تعارض میان نخبگان سیاسی ارائه شود.

۱ بیان مسئله

۱-۱ طرح مسئله

بررسی واقعیت‌های عینی جوامع مختلف بشری حاکی از نقش کلیدی نخبگان و خواص در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. در ادبیات قرآنی، تمدن‌ها و اقوام گوناگون مانند قوم لوط، قوم صالح و ... به نام رهبران و پیشوایان خود نامیده شده‌اند. این اهمیت تا جایی است که در روز قیامت مردم با امامان و رهبران خویش فراخوانده می‌شوند «روزی که (روز قیامت) هر گروهی را با امامشان می‌خوانیم» (اسراء: ۷۱).

یکی از مسائل و مشکلات اساسی که پیامدهای منفی در پیشرفت و توسعه ملی کشورمان دارد؛ فراموشی، گریز از عقلانیت، تعارض‌ها و مجادلات قهرآمیز میان خواص و نخبگان سیاسی می‌باشد که در برخی موارد زمینه‌ساز بحران‌های سیاسی شده است، به‌طوری که امنیت داخلی و ملی را به مخاطره می‌اندازد. این مقوله تا حدود زیادی با چگونگی عقلانیت نخبگان سیاسی و مسئولان کشور در ارتباط است. عقلانیت ایجاب

می‌کند که نخبگان در قدرت برای حل اختلافات میان خودشان از روش‌های منطقی استفاده کنند و یقین داشته باشند منازعات مخرب در تقابل با عقلانیت اسلامی و آموزه‌های توحیدی قرآن و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام است.

امام خمینی (ره) بر مبنای آموزه‌های توحیدی و تجارب تاریخی تأکیدات ارزنده‌ای مبنی بر لزوم پرهیز دولتمردان، تصمیم‌گیران و نخبگان سیاسی از اختلافات و منازعات خصوصاً آمیز داشته و رمز پیروزی انقلاب اسلامی و استمرار آن را در پرتو وحدت کلمه، همبستگی و پرهیز از تعارض‌های مخرب می‌دانستند که بیشتر ریشه در دنیادوستی، خودخواهی، تکبر، ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع جمعی و ملی و گاه در برداشت‌ها و تفاسیر مختلف از قوانین و مقررات جمهوری اسلامی و روش‌های مختلف مدیریت کشور دارد: «خودمان بریزیم به جان خودمان چه خواهد شد؟ مجلس با دولت مخالف، دولت با مجلس مخالف، اینها چه خواهد شد؟» (صحیفه نور، ۱۳۷۰، ج ۱۳: ۳۱۴).

ایشان در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود همگان را به وحدت کلمه و پرهیز جدی از تفرقه و تعارض دعوت می‌کنند: «بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند. نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است. اینجانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استعمارگران خارج و داخل از کشور قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند متعال در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است».

امام امت (ره) با هوشمندی و حسن فراست و پیش‌بینی‌های ساختاری در قالب قوانین و مقررات و لزوم پیروی از آن، به تأثیر نهادهایی مانند ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بهره‌گیری از الگوهای عقلانی به حل و فصل اختلافات و منازعات

نخبگان درون حاکمیت و جریان‌های سیاسی معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و سیره درخشانی از تدبیر و عقلانیت را به یادگار گذاشتند. امعان‌نظر در سیره امام خمینی (ره) بیانگر این واقعیت است که ایشان با درک عمیق آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام برای مدیریت تعارض‌ها، کشمکش و اختلافات نخبگان سیاسی و جناح‌های مختلف درون نظام به موارد زیر اهتمام جدی داشتند:

۱. توصیه و تأکید عمیق بر پرهیز از تکبر و دنیاطلبی و رعایت تقوای الهی و ساده‌زیستی در میان نخبگان سیاسی و خواص،
 ۲. انتخاب حکم و گروه داوری برای حل و فصل منازعات و اختلافات،
 ۳. ارجاع اطراف تعارض به قانون، نهادها و مجاری قانونی مانند شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ...،
 ۴. بهره‌گیری از وظایف و اختیارات ولایت فقیه و داوری حکیمانه مبتنی بر عدالت و انصاف. مقام معظم رهبری نیز در تأسی به مقتدای خویش، خودداری نخبگان سیاسی و مسئولان از اختلاف و تفرقه و تلاش در راستای اتحاد و همدلی را دارای اهمیت اساسی می‌دانند؛ «عده‌ای در حال آتش‌افروزی‌های سیاسی میان جناح‌ها و عناصر مختلف جناح‌ها هستند و مقابله با این تحرکات، از مصادیق بارز تقوای الهی است» (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷). «اتحاد و همدلی مسئولان کشور یک فریضه است و تعمّد در مخالفت با آن، به‌خصوص در سطوح بالا خلاف شرع است» (همان). «برای یک ملت هیچ عاملی مضرتر از اختلاف و تفرقه نیست. سم مهلک برای ملت‌ها و تمدن‌ها و انقلاب‌ها، اختلاف است. اگر بهترین ملت‌ها دچار اختلاف و دودستگی شوند، همه نیروهای حیاتی خودشان نه تنها از بین می‌رود، بلکه در جهت ویرانی کشور به کار می‌افتد» (بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم آذربایجان، ۱۳۸۸/۳/۳۰).
- بدون شک الگو شدن جمهوری اسلامی ایران برای جهان اسلام و دیگر نظام‌های سیاسی دنیا تا حدود زیادی در گرو عقلانیت نخبگان سیاسی و توانمندی آنان در

عرصه‌های مدیریتی و اجرایی کردن احکام و آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام است تا بتواند کارآمدی دین اسلام و رهبران و پیروان آن را در عرصه مدیریت سیاسی در دنیای امروز به منصفه ظهور برساند.

۱-۲ مفاهیم و تعاریف

تعاریف مفاهیم اصلی و مهم به کار رفته در این مقاله به قرار زیر است:

۱. عقلانیت: ^۱عقل به تعبیر امام صادق (ع) «نیروی است که خداپرستان خدا را به وسیله آن (می‌شناسند و) می‌پرستند، و صالحان راه رسیدن به بهشت را با راهنمایی آن می‌پیمایند» (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۱). از نظر اسلام عقل بسیار عمیق‌تر و فراتر از عقلانیت ابزاری در مدرنیسم غربی می‌باشد که کار آن محاسبه و اندازه‌گیری سود و زیان امور دنیوی و مادی است. عقلانیت اسلامی کشف رمز و راز آفرینش و هستی‌شناسی توحیدی و عبودیت الهی برای حرکت در مسیر کمال است. عقل، حجت و نبی باطنی انسان برای هدایت او در این مسیر پیش‌بینی شده که رها شدن از زنجیرهای جهل و وسوسه‌های گوناگون از وظایف مهم آن به‌شمار می‌رود (ترابی، ۱۳۸۹: ۶۶).

۲. راهبرد: ^۲عبارت است از الگوی بنیادی اهداف فعلی و برنامه‌ریزی شده، بهره‌برداری و تخصیص منابع و تعامل با عوامل محیطی که بر چهار محور استوار است: تحقق اهداف، تمرکز بر موضوعات، مواجهه با تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌ها برای حصول به اهداف مورد نظر (فاضلی، ۱۳۹۰: ۲۶۲-۲۶۱).

۳. تعارض: ^۳به معنای اختلاف، متعارض و مزاحم شدن است و در اصطلاح به معنای فرایندی است که در آن شخص (الف) به‌طور عمدی تلاش می‌کند تا شخص (ب) در رسیدن به علائق و اهدافش ناکام شود (رابینز، ۱۳۹۰).

1. Rationality
2. Strategy
3. Conflict

۴. مدیریت حل تعارض:^۱ فرایند معقولی که پس از شناخت و بررسی اختلاف‌های اطراف تعارض به حل و فصل صحیح آن می‌پردازد (ترابی، ۱۳۹۰).
۵. نخبگان سیاسی:^۲ به معنای بزرگان، صاحبان فکر، شخصیت و توانایی‌های وسیع فکری و سازمان‌دهی است (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۶۱).
۶. نهادهای حل تعارض: سازمان‌ها و نهادهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی که برای حل تعارض در میان قوای مختلف ایجاد شده‌اند.

۱-۳ اهمیت وحدت کلمه و انسجام

هم‌گرایی، انسجام و همبستگی از مهم‌ترین متغیرهای قدرت ملی محسوب می‌شود. وحدت و هم‌گرایی در جامعه توحیدی پیش از آنکه دستوری و حیاتی باشد، امری عقلانی است و پیش از آنکه مطلوبی دینی باشد ضرورتی عینی است (وطن‌دوست، ۱۳۸۸؛ منصورنژاد، ۱۳۸۷).

قرآن به اشکال گوناگون اهمیت پرهیز از تعارض در میان مسلمانان و مؤمنان و ضرورت مودت و انسجام را مورد تأکید قرار می‌دهد و در دسته‌ای از آیات، مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه و جدایی، تعارض و تنازع، فساد، بغی و سرکشی دعوت می‌کند.

۱-۳-۱ چنگ زدن به ریسمان الهی و وحدت

«ای مؤمنان همگی به ریسمان الهی چنگ زده و به راه‌های متفرق و پراکنده نروید و یاد کنید از نعمت الهی که شما با همدیگر دشمن بودید و خداوند میان دل‌های شما مهربانی و الفت قرار داد و به لطف الهی با همدیگر برادر شدید و یاد آورید زمانی را که در پرتگاه آتش بودید و خداوند شما را نجات داد. این چنین خداوند نشانه‌های خودش را برای شما روشن می‌کند شاید هدایت شوید» (آل عمران: ۱۰۳).

1. Conflict Resorde Management
2. Political Ellits

«مانند کسانی نباشید که تفرقه پیدا کرده و پس از آمدن آیات روشن برایشان به اختلاف با همدیگر پرداختند که برای آنان عذاب بزرگی در راه است» (آل عمران: ۱۰۵).
«خداوند و پیامبرش را اطاعت کنید و با همدیگر منازعه و کشمکش نکنید که سست شده و عظمت و شکوه شما از بین می‌رود و در این راه صبر و پایداری کنید که خداوند با صابران است» (انفال: ۴۶).

ملا محسن فیض کاشانی (ره) در شرح نهج البلاغه مصداق «حبل الله» را علی (ع) قلمداد می‌کند (فیض کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۶).^۱ در مجموع مفسران چهار نظریه را درباره حبل الله مطرح کرده‌اند: سنت و جماعت، دین الهی و اسلام، قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت علی (ع).

۱-۳-۲ پرهیز از افساد

«روی زمین پس از اصلاح فساد نکنید و خدا را با امید و ترس بخوانید که همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است» (اعراف: ۵۶).

۱-۳-۳ پرهیز از بغی و گردنکشی

در دسته‌ای از آیات خداوند مسلمانان را به دوستی، مودت، برادری و حل اختلاف صلح و تعاون در میان خودشان دعوت می‌کند. «و خداوند به عدل و نیکی و عطا به نزدیکان و خویشان فرمان می‌دهد و از فحشا و پلیدی و گردنکشی نهی می‌کند، خدا شما را پند می‌دهد شاید پند پذیرید» (نحل: ۹۰).

«و اگر دو طایفه از اهل ایمان باهم به قتال و دشمنی برخیزند، البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار کنید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال نمایید تا به فرمان خدا باز آید (ترک ظلم کند)، پس هرگاه به حکم خدا برگشت با حفظ عدالت میان

۱. علامه مجلسی در جلد ۳۶ بحارالانوار نیز به این موضوع اشاره می‌کند.

آنها را صلح دهید و همیشه عدالت کنید، همانا خدا اهل عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد» (حجرات: ۹).

«به‌راستی مؤمنان برادرند، پس میان برادران خود اصلاح برقرار کنید و در این راه تقوای الهی پیشه نمایید شاید مورد رحمت خدا قرار گیرید» (همان: ۱۰).

نتایج حاصل از این آیات عبارت است از: ضرورت برقراری صلح در میان دو گروه متعارض از مؤمنان؛ برخورد با گروه مؤمن سرکش تا زمانی که به فرمان خدا گردن نهد و برقراری صلح و آرامش در میان برادران.

«ای کسانی که ایمان آوردید همگی به صلح و آرامش و پیروی از خدا وارد شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که به‌درستی شیطان دشمن آشکاری برای شماست» (بقره: ۲۰۸).

«ای کسانی که ایمان آوردید صبوری کنید و صبر را به همدیگر سفارش کنید و از همدیگر مراقبت کرده و از خدا پروا داشته باشید تا رستگار شوید» (آل عمران: ۲۰۰).

«ای مؤمنان در راه نیکی و تقوا باهم همکاری کنید و در گناه و تجاوز همکاری نکنید» (مائده: ۲).

برخی آیات قرآن، مسلمانان و مؤمنان را از دوستی، همکاری و اعتماد به مشرکان و کفار برحذر داشته و آنان را به مجاهدت و مبارزه با دشمنان اسلام فرامی‌خواند. «پیامبر و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید و در میان خودشان مهربان‌اند» (فتح: ۲۹).

در جامعه اسلامی بر مبنای آموزه‌های قرآنی تعارض در اشکال و سطوح مختلفی به‌وقوع می‌پیوندد که عبارت‌اند از:

۱. **تعارض مؤمنان با همدیگر:** همان‌گونه که پیش‌تر در آیه ۹ سوره حجرات آمد؛ اولاً، باید میان دو گروه متعارض از مؤمنان صلح ایجاد کرد، ثانیاً، با گروه مؤمن سرکش برای پذیرش فرمان الهی برخورد نمود، ثالثاً، برای برقراری صلح باید بر عدالت و قسط تأکید کرد.

۲. **تعارض مسلمانان و اهل کتاب:** «بگو ای اهل کتاب (برای رفع اختلاف) بیایید حول محور سخن مشترکی که میان ما و شما وجود دارد تفاهم کنیم و آن این است که جز

خدا کسی را نپرستیم و هیچ کدام از ما بعضی دیگر را جز خدا به ربوبیت قبول نکنند» (آل عمران: ۶۴).

۳. **تعارض مسلمانان با کفار و مشرکان:** قرآن تأکید بر سخت گیری با کفار و مشرکان دارد (پیش تر در آیه ۲۹ سوره فتح آمد). «با مشرکان نبرد کنید» (توبه: ۴۶).

۴. **تعارض مؤمنان و منافقان:** در این باره قرآن بر سخت گیری با منافقان تأکید دارد و در صورت عدم تمکین در برابر مؤمنان و خودداری از فتنه گری، برخورد قاطعانه با آنان را ضروری می داند. آیات ۴۵ تا ۷۰ سوره توبه به خصوصیات، روش ها و رفتارهای منافقان اختصاص دارد و فرمان مبارزه با آنان را با شدت هر چه تمام تر می دهد: «ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنان سخت گیری کن. جایگاه آنان در دوزخ است که بد منزلگاهی است» (همان: ۷۲).

۲ زمینه ها و ریشه های تعارض

۲-۱ سرکشی و لجبازی

قرآن با زیبایی و ظرافت یکی از علل تعارض در امور مختلف را سرکشی و لجبازی انسان ها و گروه ها در مقابل دلایل آشکار و روشن و حقیقت قلمداد می کند و این علت شاید شایع ترین آنها در حوزه بروز تعارض ها و اختلافات باشد؛ «مردمان امت واحده بودند، پس خداوند انبیا را برای بشارت و انذار آنان مبعوث کرد و با آنها کتاب را به حق فرستاد تا در میان آنان درباره اختلافاتی که دارند داوری نمایند و اختلاف نکردند مگر همان کسانی که بغی و سرکشی نمودند پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمده بود» (بقره: ۲۱۳).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان می نویسد: «اختلاف قبل از علم، اختلاف فطری، ضروری و طبیعی است و سرچشمه آن اختلاف سواد انسان هاست که منجر به اختلاف احساسات و ادراکات و احوال است. این اختلاف منتهی به اختلاف اغراض و مقاصد آنان است و این اختلاف خود سبب اختلاف در افعال و اعمال می شود و همین

اختلاف است که سرانجام آن اختلال نظام اجتماع است و برای رفع این اختلاف بشر نیازمند به وحی انبیاست، اما اختلاف دیگر بعد از آمدن دین و کتاب پیدا می‌شود که اختلاف بعد از علم است که آن را حاملان دین به وجود آوردند که در واقع منشأ و سرچشمه این اختلاف بغی و ستم است نه فطرت» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۲۲-۱۲۱).

۲-۲ تکبر و خودبزرگ‌بینی

یکی دیگر از علل اصلی تعارض، خودبزرگ‌بینی، تکبر و خودخواهی است که در ادبیات قرآنی در قالب مقایسه خود و دیگران به‌ویژه در داستان سرکشی شیطان از سجده به انسان به زیبایی بیان شده است: «پس آنگاه که او را به خلقت کامل بیاراستیم و بر او از روح خود دیدیم شما بر او سجده کنید. پس تمام فرشتگان بر او سجده کردند، مگر شیطان که غرور و تکبر کرد و از زمره کافران شد. خدا به شیطان فرمود: ای ابلیس تو را چه مانع شد که به موجودی که به دست قدرت خود آفریدیم سجده نکنی. آیا تکبر و نخوت کردی یا از بلندرتبگان بودی. شیطان گفت من از او بهترم، که مرا از آتش (نورانی و سرکش) و او را از گل (تیره و پست) خلق کرده‌ای» (ص: ۷۶-۷۲).

در داستان حضرت موسی (ع) و فرعون نیز یکی از دلایل مهم اختلاف فرعون و سرپیچی‌اش از حق و آیات الهی، استکبار و خودبزرگ‌بینی فرعون قلمداد می‌شود: «فرعون و فرعونیان به ناحق در زمین از فرمان حق سرکشی و تکبر کردند و چنین پنداشتند که (معاد و قیامت نیست و) به‌سوی ما باز نخواهند گشت» (قصص: ۳۹).

۲-۳ دنیاطلبی

در ادبیات توحیدی ریشه بسیاری از مشکلات، انحرافات، تنازعات و اختلافات، فریفته و مغرور شدن به دنیا و زخارف مادی عنوان شده است؛ «زیبا و دل‌فریب می‌نماید در نظر مردم دنیاپرست حب شهوات نفسانی که عبارت از میل به زن‌ها و فرزندان و همیان‌های پر

از زر و سیم و اسب‌های نشان‌دار و چهارپایان و مزارع و املاک، درحالی که این‌ها همه متاع زندگانی فانی دنیاست، و نزد خداست (بهشت) منزل بازگشت نیکو» (آل عمران: ۱۴). امعان‌نظر در این آیه حاکی از ابعاد مختلف زیبایی‌های زودگذر و ناپایدار دنیوی است که انسان را دچار غرور و غفلت می‌کند و این از ویژگی‌های کافران است؛ «این سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در روی زمین اراده برتری‌جویی و فساد ندارند و عاقبت نیک از برای پرهیزگاران است» (قصص: ۸۳).

در روایتی از حضرت امام علی بن ابیطالب (ع) آمده است: «محبت و دوستی دنیا سرچشمه همه بدی‌هاست» و «دنیادوستی سرآغاز فتنه‌ها و رنج‌هاست» (انصاری قمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲، ۴۸۷۰).

۲-۴ جهل و نادانی

یکی دیگر از ریشه‌های مهم اختلاف و تنازع، جهالت و نادانی اطراف تعارض و یا حداقل یکی از طرفین منازعه است. این موضوع در داستان نصب انسان به‌عنوان خلیفه و سؤال فرشتگان از خداوند سبحان به زیبایی به تصویر کشیده شده است: «ای پیامبر! به یاد آر آنگاه که پروردگار تو فرشتگان را فرمود خواهیم گماشت در روی زمین خلیفه‌ای، فرشتگان گفتند پروردگارا آیا خواهی گماشت که در زمین فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آنکه ما تو را تسیح و تقدیس می‌کنیم، (خداوند) فرمود من چیزی از (خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید» (بقره: ۳۰).

در روایات ارزشمندی از ائمه معصومین علیهم‌السلام، جهل در مقابل عقل به کار رفته و براساس فرهنگ دینی، عقل بزرگ‌ترین موهبت الهی است که به انسان عطا شده است. در روایت بسیار عمیق و حکیمانه‌ای از امام صادق (ع) که در قالب کتاب *العقل و الجهل* آمده، سپاهیان و لشگریانی برای عقل و جهل شمارش شده است که تأمل در آن بسیار مهم و حیاتی می‌نماید (امام خمینی، ۱۳۷۷).

۲-۵ گناه و سرپیچی از فرمان خدا

در آموزه‌های قرآنی یکی دیگر از زمینه‌های اختلاف و تعارض، مقوله ارتکاب گناه و نافرمانی از خداوند و رسول اکرم (ص) است. گناه و ارتکاب آن زمینه‌ای برای غفلت و عدم ادراک جمال حقیقت بوده و از عوامل مؤثر در پیدایش تعارض و اختلاف محسوب می‌شود. در آیات ۴۱ تا ۵۴ سوره انفال ریشه فلاکت و بدبختی کافران و مشرکان و تباهی قوم فرعون، گناهان آنان دانسته شده است. یکی دیگر از پیامدهای گناه در بلندمدت تمسخر و تکذیب آیات و نشانه‌های الهی است؛ «این است سرانجام کار آنان که به این عمل زشت و کردار بد پرداختند و آیات خدا را تکذیب کردند» (روم: ۱۰).

۲-۶ حسادت

یکی دیگر از عوامل پیدایش اختلاف و تعارض که در ابعاد فردی و اجتماعی بروز می‌کند، پدیده حسادت است که سرمنشأ روان‌شناختی دارد. به‌عنوان مثال در داستان آفرینش حضرت آدم (ع) شیطان به‌دلیل غرور و حسادت از دستور خداوند سرپیچی می‌کند و بر وی سجده نمی‌نماید. آیه ۵۴ سوره نساء نیز علت ایمان نیاوردن بسیاری از مشرکان و کفار به پیامبر اکرم (ص) و اختلاف با آن حضرت را حسادت قلمداد می‌کند. در داستان فرزندان حضرت یعقوب (ع) حسادت زمینه‌ساز تعارض و در نتیجه ارتکاب گناه توسط برادران یوسف (ع) می‌شود یا «بسیاری از اهل کتاب به‌دلیل حسادت دوست داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به کفر بازگردانند با اینکه حق برای آنان روشن و آشکار شده بود» (بقره: ۱۰۹). در روایتی از امام صادق (ع) هم ریشه کفر حسادت تلقی شده است: «از حسادت پرهیزید که کفر ریشه اصلی حسادت است» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۱۸۷).

۲-۷ پیروی از وسوسه‌های شیطانی

براساس آموزه‌های قرآنی، بنیادی‌ترین کارویژه شیطان وسوسه و زیبا جلوه دادن پلیدی‌های

اعمال انسان‌هاست. قرآن کریم به‌طور مکرر از شیطان به‌عنوان دشمن آشکار انسان یاد کرده است: «به بندگانم بگو که بهترین سخنان را بگویند، همانا که شیطان در میان آنان فساد ایجاد می‌کند، زیرا شیطان دشمنی آشکار برای انسان است» (اسراء: ۵۳). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دسته‌جمعی اسلام آورده و صلح کنید و از گام‌های شیطان پیروی ننمایید، به‌راستی که او دشمن آشکاری برای شماست» (بقره: ۲۰۸).

۲-۸ سوءظن و غیبت نسبت به یکدیگر

سوءظن و غیبت کردن از عوامل مؤثر در پیدایش تعارض، خصومت و دشمنی در جامعه است، به‌طوری‌که خداوند مسلمانان و مؤمنان را از آن برحذر داشته است؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید فراوان از ظن و گمان احتراز کنید که به‌درستی برخی از گمان‌ها گناه است و نسبت به مسائل همدیگر جست‌وجو نکرده و بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر غیبت نکنید، آیا فردی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد، پس از این کار کراهت دارید و تقوای الهی پیشه‌سازید که به‌راستی خداوند توبه‌پذیر و مهربان است» (حجرات: ۱۲).

واقعیت‌های حیات اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی نشان‌دهنده این است که سوءظن، تجسس و غیبت در بسیاری از موارد زمینه‌ساز افزایش تعارض و خصومت‌ها در جامعه اسلامی و میان مسلمانان می‌شود که باید از آن پرهیز کرد.

۲-۹ عدم صبوری در اختلافات و مقابله به‌مثل نادرست

براساس آموزه‌های قرآنی نیکی و پلیدی برابر نبوده و بدی و پلیدی را باید با روش بهتری پاسخ داد. «نیکی و بدی برابر نیستند، بدی را با آنچه بهتر است دفع کن، پس آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است گویی با تو دوست و همدل می‌شود» (فصلت: ۳۴). از آیه شریفه این چنین استنباط می‌شود که اولاً، نیکی و پلیدی برابر و هم‌ارزش نیستند،

ثانیاً، مقابله به مثل در مواردی باید با نیکی و روش بهتر باشد. ثالثاً، نتیجه برخورد با روش بهتر و نیکی، زمینه‌ای برای برطرف شدن کینه‌ها و دشمنی‌ها و تبدیل آنها به دوستی و همدلی است.

۲-۱۰ نفاق و دورویی

یکی دیگر از عوامل مهم در تکوین تعارض‌های مخرب پدیده نفاق و دورویی است که در آموزه‌های قرآنی از آن به عنوان یک بیماری خطرناک یاد می‌شود، تا آنجا که یکی از عوامل اصلی فتنه در تاریخ اسلام بوده است؛ «آیا در قلب‌های آنان بیماری است یا اینکه در شک و دودلی اند یا اینکه می‌ترسند خدا و پیامبرش در حق آنان ظلم نمایند، بلکه واقعیت این است که آنان ستمگرند» (نور: ۵۰). در سوره مبارکه منافقون ویژگی‌هایی برای این گروه بیان شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. دروغ‌گویی آشکار (آیه ۱)،
۲. سوگند دروغ خوردن برای فریب مردم (آیه ۲)،
۳. عدم فهم حقایق به دلیل رها کردن حق پس از شناخت آن (آیه ۳)،
۴. برخورداری از ظاهری آراسته برخلاف باطن (آیه ۴)،
۵. انعطاف‌ناپذیری در برابر حق (آیه ۴)،
۶. بدگمانی و سوءظن (آیه ۴)،
۷. به سخره گرفتن حق (آیه ۵)،
۸. فاسق بودن (آیه ۶).

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «من از مؤمنان و مشرکان برامتم بیمناک نیستم، ولی از منافقان برای شما ترسان و نگرانم» (قمی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۰۶).

۲-۱۱ افراط و تفریط

افراط به معنای زیاده‌روی و خروج از تعادل و اعتدال است و تفریط به معنای کوتاهی و

کم گذاشتن که درعین حال مفهوم کوتاهی از تعادل و اعتدال را نیز به همراه دارد. امعان نظر در تعارض‌های مخرب بیانگر این واقعیت می‌باشد که ریشه بسیاری از آنها، در افراط و تفریط طرفین تعارض و اختلاف نهفته است. قرآن کریم اعتدال و عدالت و پرهیز از تندروی را حتی درباره لجاجی و سرکشی یک طرف منازعه نفی و رعایت اعتدال و عدالت را توصیه می‌کند: «مبادا دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که بی‌عدالتی کنید (افراط کنید)، عدالت پیشه کنید که آن به تقوی نزدیک‌تر است» (مائده: ۸).

در برخی از آیات قرآنی، امت اسلامی امت وسط و معتدل نامیده شده است؛ «و ما همچنان شما مسلمین را به آیین اسلام هدایت کردیم و به اخلاق معتدل بیاراستیم تا گواه مردم باشید و نیکی و درستی را سایر ملل عالم از شما بیاموزند» (بقره: ۱۴۳). شهید مطهری در کتاب *اسلام و مقتضیات زمان* در اهمیت اعتدال می‌نویسد: «یک فکر افراطی وجود دارد و یک فکر تفریطی و یک فکر معتدل ... من اسم آن تندروی‌ها را جهالت گذاشته‌ام و اسم این کندروی‌ها را جمود. خطر جمود از جهالت کمتر نیست. دین اعتدال لازم دارد، امت معتدل باشید نه جاهل و نه جامد» (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۰-۷۰).

۱۲-۲ گروه‌گرایی و باندبازی

قرآن کریم امت اسلامی را امت واحده می‌داند و اختلاف و تفرقه را نتیجه تکه‌تکه شدن، گروه‌گرایی و باندبازی قلمداد می‌کند؛ «و این مردم همه یک دین و متفق‌الکلمه یک امت شما پیغمبران خدایند و من یگانه خدای شما هستم و تنها از من بترسید، (با وجود این سفارش خدا) مردم دین خدا را پاره‌پاره کرده و در آیین فرقه‌فرقه و هر گروه به آنچه نزد خود پسندیدند دل‌خوش شدند (و به خیالات باطل مذهبی اختیار کردند) (مؤمنون: ۵۳-۵۲). قرآن تفرقه در دین را از ویژگی‌های مشرکان دانسته و مسلمانان را از آن به شدت نهی می‌کند: «و از مشرکان مباشید، آنانی که دینشان را تکه‌تکه کرده و گروه‌گروه شدند؛ چرا که هر حزبی به آنچه نزد خودشان است سخت دلشاندند» (روم: ۳۲-۳۱).

۳ انواع و سطوح تعارض

۳-۱ تعریف تعارض

اختلاف آرا، نظریه‌ها، خط‌مشی‌ها و روش‌های اجرا، پدیده‌هایی طبیعی و در بسیاری موارد ضرورتی انکارناپذیر برای رشد، تعالی و پیشرفت است و بعضی از متفکران اختلاف و تعارض را مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر برای زندگی بشر قلمداد می‌کنند (رضائیان، ۱۳۸۲: ۲).
منازعه و تعارض در میان نخبگان دولتی و سیاسی «فرایندی است که طی آن نخبگان تصمیم‌گیرنده در قوای مختلف و نهادهایی که به گونه‌ای در تصمیم‌گیری‌های کلان نقش دارند به دلایل مختلف به مخالفت با یکدیگر می‌پردازند، از این رو لجبازی و کشمکش مخربی پدیدار می‌شود که نتیجه آن ایجاد اختلال در تصمیم‌گیری‌ها و صلابت و اتقان تصمیمات است» (ترابی، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

۳-۲ انواع تعارض

تعارض به اعتبارهای گوناگون قابل دسته‌بندی است. به یک اعتبار تعارض به دو دسته کلان کارکردی و سودمند و غیر کارکردی و غیر سودمند تقسیم می‌شود (رضائیان، ۱۳۸۲: ۶).
در تقسیم‌بندی دیگر، به تعارض بنیادین و تعارض احساسی - عاطفی تقسیم می‌شود.
تعارض بنیادین به صورت عدم توافق درباره اهداف و ابزارهای نیل به هدف بروز پیدا می‌کند، اما تعارض احساسی - عاطفی بیشتر ناشی از مشکلات میان‌فردی شامل عواطف شدیدمانند خشم، عدم اعتماد به نفس، ترس و انزجار است که به‌عنوان برخورد شخصیت‌ها معرفی می‌شود (همان: ۱۱). این نوع تعارض زمینه‌ساز هدر دادن توان اطراف تعارض و موجبات غفلت از پرداختن به مسائل اساسی و اولویت‌دار می‌شود.

۳-۳ سطوح تعارض

تعارض به چهار سطح درون‌فردی، میان‌فردی، درون‌گروهی و میان‌سازمانی تقسیم شده

است (Schermerhorn, 2004: 319). عمده‌ترین اشکال در حوزه تعارض میان دولتمردان - خواص و

نخبگان سیاسی حاکم که نقش اساسی و مهمی در تصمیمات ایفا می‌کنند، عبارت‌اند از:

۱. تعارض میان نهاد رهبری و یکی از قوای سه‌گانه،

۲. تعارض میان قوای سه‌گانه، مانند تعارض میان وزارت کشور با شورای نگهبان،

شورای نگهبان با مجلس شورای اسلامی و ...،

۳. تعارض درون قوای مختلف مانند تعارض دو وزارتخانه با یکدیگر، تعارض بانک

مرکزی با وزارت امور اقتصادی و دارایی و ...،

۴. تعارض در وزارتخانه‌ها مانند دو معاونت با یکدیگر.

۴ مدیریت تعارض

مدیریت حل تعارض فرایندی است که در آن همه اقدامات لازم برای کنترل، مهار، تجزیه

و حل و فصل تعارض و اختلاف به یکی از اشکال منطقی و قابل قبول انجام می‌گیرد.

۴-۱ راهبردهای مدیریت تعارض

۴-۱-۱ کناره‌گیری

این راهبرد مربوط به شرایط است که جناح‌ها، گروه‌های سیاسی یا اطراف تعارض احساس

کنند موضوع مورد اختلاف و تعارض خودبه‌خود از میان خواهد رفت و ادامه آن بی‌فایده

است. شرایط کاربرد این راهبرد عبارت است از:

۱. موضوعات مورد تعارض خیلی مهم نباشند.

۲. اطراف تعارض فاقد مهارت لازم برای مذاکره برد - برد باشند.

۳. زیان‌های بالقوه بیشتر از منافع بالقوه باشد.

۴. فرصت کافی و مناسب برای بررسی موضوعات مورد اختلاف وجود نداشته باشد

(پترس، ۱۳۸۲: ۳۶).

۴-۱-۲ پذیرش و همراهی

در این راهبرد به انجام شدن کار، تصمیم درست و نادیده گرفتن موضوع مورد اختلاف توجه می‌شود. شرایط کاربرد این راهبرد عبارت است از:

۱. موارد مورد اختلاف جزئی باشد.
۲. خدشه‌دار شدن روابط بر تمامی گروه‌های دیگر اختلاف اثرگذار باشد.
۳. کسب اطلاعات دقیق‌تر نیازمند کاهش سطح اختلافات موجود باشد.
۴. اطراف تعارض عصبانی بوده و عملاً کاری پیش نرود.

۴-۱-۳ مصالحه

این راهبرد بر آن است که اطراف تعارض و اختلاف باید فرصت یکسان و برابر داشته باشند تا دیدگاه‌های خود را بیان و سپس رأی‌گیری کنند. راه‌حل مورد توافق اطراف تعارض بهتر است مطلوب و ایدئال باشد. شرایط کاربرد این راهبرد عبارت است از:

۱. اطراف تعارض هر دو منتفع شوند.
۲. نیازی به راه‌حل ایدئال نباشد.
۳. اطراف تعارض قدرت برابری داشته باشند.

۴-۱-۴ رقابت

در این رویکرد تعارض یک وضعیت برد-باخت تلقی می‌شود که در آن یکی از حریفان باید ببازد تا حریف دیگر برنده شود. در این راهبرد قدرت نقش کلیدی دارد و طرف بازنده زمانی تسلیم می‌شود که قدرت طرف مقابل بیشتر باشد. شرایط کاربرد این راهبرد عبارت است از:

۱. گروه یا جناح نیازمند یک تصمیم فوری باشد،
۲. اطراف تعارض استفاده از زور را مجاز بدانند،
۳. اطراف تعارض رابطه قدرت را در میان خود درک و قبول کنند.

۴-۱-۵ حل مشکل و همکاری

در این رویکرد موارد اختلاف باید به صورت باز حل شود و تبادل نظر به شکل صحیح و صادقانه انجام گیرد. شرایط کاربرد این راهبرد عبارت است از:

۱. اطراف تعارض درباره نحوه حل مسئله و شکل آن آموزش‌های لازم و ضروری را دیده باشند.

۲. اطراف تعارض اهداف مشترکی داشته باشند.

۳. منشأ تعارض سوء تفاهم یا نبود تبادل نظر باشد (Schermerhorn, 2003: 318).

برخی نظریه پردازان درباره مدیریت حل تعارض سه روش مهم و اساسی را پیشنهاد می‌کنند: اول، آشتی دادن بر اساس علایق و مطالبات؛ دوم، بهره‌گیری از حقوق و سوم، بهره‌گیری از قدرت (Ury and et al., 1988). در روش اول اطراف تعارض با استفاده از پیوند میان مطالبات و علایق بر مواردی که ارزش بیشتری دارد تأکید می‌کنند و درصدد حل تعارض برمی‌آیند. در روش دوم با معیار قرار دادن اولویت حق به یکی از اطراف تعارض درصدد حل آن برمی‌آیند و در روش سوم از قاعده قدرت و اینکه کدام طرف تعارض از توانایی و قدرت بیشتری برخوردار است، بهره‌گیری کنند.

۴-۲ فنون حل تعارض

۴-۲-۱ گفت‌وگو و مذاکره

یکی از ابزارهای مهم و اساسی در مدیریت تعارض استفاده از ابزار گفت‌وگو و مذاکره می‌باشد که هدف آن رسیدن به مرحله‌ای فراتر از فهم و ادراک تک‌تک افراد است. بر اساس گفت‌وگو و مذاکره نوع جدیدی از خرد و عقلانیت به منصف ظهور می‌رسد که بر معنای مشترک جدیدی استوار است (سنگه، ۱۳۷۷: ۳۰۴). در گفت‌وگو و مذاکره اغلب چهار عنصر اساسی وجود دارد:

۱. درجه وابستگی اطراف،

۲. تعارض ادراک شده میان آنان،

۳. تعامل فرصت طلبانه اطراف،

۴. امکان توافق.

همچنین مراحل یک مذاکره منطقی عبارت‌اند از: ایجاد رابطه میان اطراف تعارض، تبادل اطلاعات و افکار، اعمال نفوذ، نتیجه‌گیری و عقد قرارداد (تفاهم‌نامه) (زاهدی، ۱۳۷۸: ۲۵).

۲-۲-۴ حل غیررسمی (کدخدامنشی)

به‌جز مذاکره و گفت‌وگو که کاربرد وسیعی در حل و فصل منازعات و اختلافات دارد، راهبردهای دیگر عبارت‌اند از:

۱. میانجی‌گری: فرد کارآزموده و باتجربه‌ای است که اطراف تعارض را به‌منظور یافتن راه‌حل بهتر برای حل تعارض هدایت می‌کند. میانجی مسئولیت تصمیم‌گیری ندارد و وظیفه‌اش ایجاد زمینه برای رسیدن به یک تصمیم قابل قبول از سوی طرفین تعارض است.

۲. حکمیت: حکم فردی آگاه و باتجربه است که با استفاده از شواهد و مدارک مسئولیت تصمیم‌گیری را در مورد موضوع اختلاف دارد و تصمیماتش مبتنی بر مزایای قانونی است. میانجی باید دارای این خصوصیات باشد: درک عمیق از دیدگاه‌های اطراف تعارض داشته باشد، قواعد و اصول اصلاح روابط را به کار گیرد، برای برابر کردن قدرت اطراف تعارض تلاش کند و مورد قبول اطراف تعارض باشد.

۲-۲-۳ مشارکت دادن اطراف تعارض

یکی دیگر از رویه‌های مناسب و عقلانی مدیریت تعارض، مشارکت دادن اطراف تعارض در مسئله مورد مناقشه و اختلاف است. سهیم کردن اطراف تعارض و قائل شدن نقش برای آنان در فرایند حل تعارض باعث می‌شود تا آنان احساس مناسبی به لحاظ روان‌شناختی از نقش و تأثیر خود داشته و خویش‌تر را در تصمیم‌گیری مرتبط با حل مناقشه و تعارض سهیم

و مؤثر قلمداد کنند تا احساس شکست قطعی برای آنها پدید نیاید (ترابی، ۱۳۸۹: ۳۱۱).

۵ مدیریت تعارض در اسلام

همان‌گونه که در قسمت‌های پیشین درباره اهمیت حیاتی و بنیادین حل تعارض در اسلام گفته شد، قرآن کریم برای هدایت بشر و تأمین حیات طیبه دنیوی و اخروی اش برنامه‌های منطقی و کاربردی کارآمد و اثربخشی مبتنی بر فطرت الهی آنها دارد که شالوده و بنیاد اساسی آن را متصف شدن انسان به صفات و اخلاق الهی و پرهیز از سرکشی، تکبر، حسادت، نفاق و دورویی و دنیاطلبی، جهل و نادانی، گناه و نافرمانی خداوند و عقلانی شدن در عرصه حیات تشکیل می‌دهد. مصادیق عینی این ویژگی‌ها انبیا، اولیای الهی و انسان‌های متقی و پارسا هستند که اگر هم‌زمان با همدیگر در عصر یا جمعی حضور یابند هرگز تعارض و اختلافی میانشان پدید نمی‌آید. از این رو به صورت اجمالی به راهبردهای مهم آن اشاره می‌شود:

۵-۱ راهبرد اصلاح ذات‌البین

عبارت است از صلح، سازش و از یاد بردن رنجش و سازگاری و آشتی پس از قهر. «ذات» به معنای بنیه و اساس است، «بین» حالت پیوند میان افراد و «اصلاح ذات‌البین» استوارسازی پیوندهای ذاتی و اجتماعی است (طبرسی، ۱۳۷۹ هـ.ق، ج ۳، جز ۱۰۱).

اصلاح ذات‌البین در مقابل افساد ذات‌البین است. افساد ذات‌البین نشان‌دهنده پیدایش تفرقه، دشمنی، تنازع و شکاف میان مردم است و اصلاح و حل اختلاف، تعارض، تنازع و دوگانگی و نزدیک کردن دل‌ها و قلب‌ها به یکدیگر است (نبوی، ۱۳۷۹).

۵-۱-۱ ابعاد اصلاح ذات‌البین

امعان نظر در قرآن و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام بیانگر فراگیری، شمول و گستره شایان توجه راهبرد عقلانی اصلاح ذات‌البین در میان امت اسلامی، مسلمانان، مؤمنان و

گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است. ابعاد اصلاح ذات‌البین به اعتبارهای گوناگون قابل دسته‌بندی است که در ذیل به برخی ابعاد مهم آن اشاره می‌شود:

- حل تعارض و اصلاح میان دو فرد،
- حل تعارض و اصلاح میان افراد و گروه‌ها با افراد و گروه‌های دیگر،
- حل تعارض و اصلاح میان اقوام گوناگون،
- حل تعارض و اصلاح میان خواص و نخبگان با همدیگر،
- حل تعارض و اصلاح میان قوای مختلف مانند مجریه، قضائیه، مقننه و سازمان‌های اجرایی دولت اسلامی،
- حل تعارض و اختلاف میان دولت‌ها و ملل مختلف اسلامی.

۲-۱-۵ اهمیت اصلاح ذات‌البین

در قرآن کریم اهمیت و ضرورت اصلاح و حل اختلاف در میان برادران مسلمان مورد تأکید جدی قرار گرفته است: «تقوا پیشه کنید و در میان خود صلح و آشتی برقرار نمایید» (انفال: ۱). حضرت علی (ع) در وصیت خود به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌نویسند: «شما و تمام فرزندان خانواده و کسانی که نامه من به آنها می‌رسد را وصیت می‌کنم به تقوای الهی و نظم در کارها و آشتی و صلح در میان خود. به‌درستی از جد بزرگوارتان پیامبر اکرم (ص) شنیدم که می‌فرمود: برقراری آشتی و صلح در میان افراد برتر از یک سال نماز و روزه است» (شهیدی، ۱۳۶۳، نامه ۴۷ و ۳۲۱).

۲-۵ راهبرد پذیرش فرامین الهی و نبوی

در این باره قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید خدا و پیامبرش و رهبران خود (امامان معصوم) را اطاعت کنید، پس اگر در موضوعی تعارض و اختلاف پیدا کردید آن را به خدا و پیامبرش ارجاع دهید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اید، این روش پسندیده‌تر و عاقبت بهتری دارد» (نساء: ۵۹).

۳-۵ راهبرد پذیرش حکم و داور مورد قبول

در قرآن برای این راهبرد که به حل اختلاف میان زن و شوهر می‌پردازد و برای سایر موارد هم کاربرد دارد چنین آمده است: «و اگر از جدایی میان آنان ترسیدید داوری از سوی مرد و داوری از سوی زن فراهم نمایید، اگر خواهان مصالحه باشند خداوند میان آنان وفاق و همدلی ایجاد می‌کند، به راستی که خداوند دانا و آگاه است» (همان: ۳).

۴-۵ راهبرد گفت‌وگو به روش نیکو

دعوت به گفت‌وگو و مذاکره در قرآن روشی پسندیده و راهبردی مهم برای مدیریت اختلاف و تعارض است؛ «آنان را با حکمت و پندهای نیکو به راه خدا دعوت کن و با آنان به روش‌های بهتر و نیکو مذاکره و مباحثه نما» (نحل: ۱۲۵).

۵-۵ راهبرد تأکید بر ارزش‌های مشترک

ارزش‌ها و باورهای مشترک، بهترین زمینه برای حل و فصل تعارض و اختلاف در میان اطراف تعارض است؛ «ای پیامبر! بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم (و آن این است) که به جز خدای یکتا هیچ کس و هیچ چیز را نپرستیم و بر او شریک قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم» (آل عمران: ۶۴). در این آیه اعتقاد و باور مشترک به خدا و شریک قرار ندادن برای او به مثابه یک ارزش مشترک و بنیادین در میان اهل توحید و پیروان انبیا مورد تأکید قرار گرفته است. این راهبرد معیاری برای حل و فصل تعارض میان مسلمانان و اهل کتاب بوده و می‌توان آن را به سایر موضوعات با رعایت شرایط و اصول مناسب تعمیم داد و به‌عنوان روشی مهم و کاربردی از آن استفاده کرد.

۶-۵ راهبرد جلب مشارکت و مشورت

در قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره مشورت و

نظرخواهی از اطراف تعارض برای رسیدن به یک راه حل مناسب مصادیق گوناگونی وجود دارد. به عنوان مثال در جنگ احزاب اصحاب نظر سلمان فارسی را مبنی بر حفر خندق در اطراف شهر مدینه برای مقابله با ابوسفیان و سپاهیان مشرکین پذیرفتند (شهیدی، ۱۳۶۲).

۵-۷ راهبرد اعمال ولایت (از طریق احکام ثانویه و قاعده مصلحت)

فقها و علمای بزرگ شیعه به ویژه شهید اول (ره) به قاعده مصلحت، اقسام و اعتبار شرعی آن در کتاب القواعد و الفوائد اشاره داشته‌اند. در این سازوکار مهم برای حل و فصل تعارضات، رهبر و حاکم اسلامی با در نظر گرفتن شرایط مصلحت مسلمانان و جامعه اسلامی از احکام اولیه عدول و با اتکا به احکام ثانویه که مبنای حکومتی و ولایتی دارد به حل مسئله و مشکل می‌پردازد. در این باره مصادیق و نمونه‌های فراوانی در دوران رهبری امام خمینی (ره) وجود دارد (ارسطا، ۱۳۸۱: ۹۷).

۶ مدیریت تعارض در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام

۶-۱ سیره پیامبر اکرم (ص)

امعان نظر در سیره پیامبر اکرم (ص) حکایت از هوشمندی و حسن فراست عظیم ایشان در حل و فصل تعارض در جامعه جاهلی آن دوران دارد. جامعه‌ای که در آن تعارض، جدال و خونریزی پدیده‌ای متعارف بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حضرت برای مدیریت تعارض از راهبردهای عقلانی و اثربخشی استفاده کرده‌اند که به اجمال به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۶-۱-۱ حکمیت و داوری با مشارکت دادن اطراف تعارض

پیامبر اعظم (ص) اختلاف میان قبایل مختلف قریش را برای برخورداری از شرف و افتخار نصب حجرالاسود، که تا حد جنگ و خونریزی پیش رفته بود، با داوری حکیمان‌شان

حل و فصل کردند. حضرت پارچه‌ای را پهن کرده و حجرالاسود را در میان آن قرار دادند و هر کدام از اطراف تعارض به‌عنوان نماینده قبیله خویش یک گوشه پارچه را گرفته و در نصب آن مشارکت نمودند (رسولی محلاتی، ۱۳۵۶: ۱۰۰).

۲-۱-۶ برقراری عقد اخوت و برادری میان قبایل

دو قبیله اوس و خزرج از قبائل مهم یثرب بودند که سال‌های متمادی تعارض و کشمکش داشتند. پیامبر اکرم (ص) با هوشمندی قابل توجهی از طریق نزدیک کردن قلوب آنان به یکدیگر، عقد اخوت و برادری را در میان آنان جاری کرده و به جنگ دیرینه و دشمنی و خصومت دیرینه آنان پایان بخشیدند (همان: ۲۷۹).

۳-۱-۶ صلح حدیبیه

در سال ششم هجرت، پیامبر اکرم (ص) و یارانشان برای انجام حج عمره به مکه مشرف شدند، ولی قبیله قریش مانع ورود آنان به مکه و انجام اعمال عمره گردیدند. از قریش سهیل بن عمرو برای مذاکره نزد پیامبر اعظم (ص) آمد. پس از انجام مذاکره در تفاهم‌نامه‌ای (که متن آن را حضرت علی (ع) تحریر کردند) مقرر شد در آن سال مسلمانان اعمال عمره را انجام دهند و به مدت ۱۰ سال ترک مخاصمه کنند. در این قرارداد حتی رسول اکرم (ص) پذیرفتند عنوان «رسول‌الله» (که مورد قبول نماینده مشرکان نبود) از متن قرارداد حذف شود تا صلح برقرار گردد (همان: ۵۰۶-۵۰۵). این موضوع حاکی از انعطاف‌پذیری خردمندانه پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با مسائل مختلف بود.

۲-۶ سیره امیر مؤمنان حضرت علی (ع)

سیره حضرت امام علی بن ابیطالب (ع) درباره پرهیز از نزاع، خصومت و تفرقه در میان امت اسلامی حاوی نکات بسیار مهمی است که مظهر عقلانیت اسلامی در فرایند مدیریت

تعارض در جامعه اسلامی تلقی می‌شود. صبوری حیرت‌انگیز و حکمت‌آمیز ۲۵ ساله آن حضرت پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) در کلام ایشان نهفته است آنجا که فرمودند: «صبر کردم در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو داشتم».

حضرت علی (ع) در مورد ضرورت وحدت و اتحاد در جامعه اسلامی می‌فرمایند: «ای مردم همواره با جماعت و متحد باشید که دست خدا با جمع است و از تفرقه جداً پرهیزید که فرد بریده از جماعت اسیر شیطان است همچنان که گوسفند دورافتاده از گله طعمه گرگ است. به هوش باشید که هرکسی مردم را به شعار تفرقه دعوت کند او را بکشید حتی اگر این عمامه را بر سر داشته باشد» (نهج البلاغه، نامه ۱۲۷، ۳۹۲).

دوران پرفرازونشیب خلافت پنج‌ساله آن حضرت نیز مشحون از درس‌های ارزشمند ملک‌داری و سیاست‌ورزی حکیمانه برای بشریت است. با اینکه آن حضرت مجبور به جنگ‌های جمل، صفین و نهروان شدند، اما اصول و قواعدی را برای اجتناب از دشمنی، تفرقه در جامعه اسلامی بنا نهادند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۶-۲-۱ گفت‌وگو و مذاکره

مولای متقیان در هر سه واقعه آکنده از فتنه جمل، صفین و نهروان با فرستادن نماینده‌ای باب مذاکره و گفت‌وگو را برای پیشگیری از جنگ و حل مسالمت‌آمیز تعارض گشوده و تلاش‌های فراوانی برای حل و فصل صلح‌آمیز تعارض به عمل آوردند، اما اطراف تعارض و دشمنان کینه‌توز حضرت که رسیدن به قدرت چشم دل آنان را کور کرده بود وارد نزاع و پیکار خونین با آن حضرت شدند.

۶-۲-۲ نصیحت

حضرت علی (ع) تلاش‌های فراوانی برای پیشگیری از نزاع و جنگ با سران فتنه جمل، صفین و نهروان انجام داده و با نصیحت‌های مشفقانه و ضرورت تبعیت و فرمان‌بری از حق

و رعایت انصاف در صدد بازگرداندن رهبران آنان به صراط مستقیم برآمدند، ولی آنان با لجبازی و گردن کشی زمینه جنگ را فراهم کردند.

۳-۲-۶ توصیه به احترام از خونریزی

حضرت علی (ع) در موارد متعددی به مذمت جنگ و خونریزی و نزاع در جامعه اسلامی پرداخته و عواقب و پیامدهای خطرناک تعارض در جامعه را گوشزد کرده‌اند. حتی درباره خوارج که مسلمانانی کژاندیش، سطحی‌نگر و فاقد عقلانیت بودند، فرمان می‌دهند که پس از ایشان به کشتار خوارج نپردازند (درخشه، ۱۳۷۸). از نگاه حضرت، حکومت و زمامداری مسئولیتی الهی و خطیر برای بسط توحید، عدالت و رستگاری انسان‌هاست.

در این باره مولای متقیان طی نامه‌ای خطاب به اشعث بن قیس (والی آذربایجان) می‌نویسند: «بدان که مدیریت و فرمانداری برای تو ابزار آب و نان نیست، بلکه امانتی بر گردن توست و تو با نظارت بالادست خود هستی - حق نداری ذره‌ای در مورد مردم ظلم نمایی - و نه بدون اطمینان از توانایی و امکانات انجام کار بزرگ به آن دست زنی. اموال خدا را که در دست توست و تو یکی از خزانه‌داران آن هستی به من تسلیم کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۰).

۴-۲-۶ داوری و حکمیت

در واقعه صفین حضرت علی (ع) به رغم تشخیص صحیح خویش به عدم صلاحیت ابوموسی اشعری، به اصرار برخی از سپاهیان‌شان او را به‌عنوان حاکم در مقابل عمروعاص (که نماینده معاویه بود) معرفی کردند و این نشانه‌ای از انعطاف‌پذیری مثبت حضرت در امور بود.

ماهیت تعارض مخالفان در دوران خلافت حضرت علی (ع) به هیچ وجه مبنای منطقی و مبتنی بر تقوای الهی نداشت. بررسی‌ها بیانگر این واقعیت است که سردمداران سه جریان ناکثین، قاسطین و مارقین به دلیل منافع اقتصادی و کسب قدرت سیاسی به تعارض و جنگ با حضرت اقدام کردند. حضرت در این باره می‌فرماید: «چون برای امر خلافت به پا خاستم

گروهی بیعت شکستند و گروه دیگری به ناحق از آن جدا شدند و گروه سومی برای غصب حکومت با من جنگیدند» (نهج البلاغه، خطبه شششنبه).

جدول ۱ انواع تعارض ها و راهبردهای مدیریت آنها

رایف	نوع تعارض	راهبرد حل تعارض
۱	مؤمنان با همدیگر	پذیرش فرمان الهی و داوری پیامبر اکرم (ص).
۲	مسلمانان با همدیگر	پذیرش داوری پیامبر اعظم (ص).
۳	مسلمانان با غیرمسلمانان	تأکید بر ارزش های مشترک و مورد قبول طرفین
۴	گروه های مختلف در جامعه اسلامی	مذاکره، گفت و گو و پذیرش نصیحت و استدلال رهبر جامعه، مشارکت دادن اطراف تعارض در حل و فصل آن، اجرای قاعده مصلحت از طریق احکام ثانویه توسط رهبر جامعه، برقراری عقد اخوت و برادری توسط رهبر جامعه، انعطاف پذیری مثبت و پذیرش برخی مطالبات اطراف تعارض توسط رهبر جامعه، پیش بینی حکم یا گروه حکمیت و داوری مرضی الطرفین، ایثار و فداکاری و کنار کشیدن از تعارض توسط جناح حق برای مصلحت بالاتر جامعه اسلامی.

۷ مدیریت تعارض در جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران نهادها و سازوکارهای قانونی که نمادی از عقلانیت است برای مدیریت حل تعارض پیش بینی شده که مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱. نهاد رهبری و ولایت فقیه،
۲. هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه،
۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام،

۴. مجلس شورای اسلامی (از حیث ولایت تقنینی و قانونگذاری)،
۵. شورای نگهبان (از حیث عدم مغایرت قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و احکام شرع)،
۶. رئیس‌جمهور (به‌عنوان رئیس قوه مجریه در میان هیئت وزیران و دستگاه‌های مربوطه)،
۷. شورای عالی امنیت ملی.

۷-۱ نهاد رهبری و ولایت فقیه

در اصل (۱۱۰) قانون اساسی، وظایف و اختیارات ولی فقیه در یازده بند احصا شده که بندهای «۷ و ۸» آن به حل اختلاف، حل معضلات و مسائل اساسی کشور اشاره دارد. بند «۷» به «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» و بند «۸» به «حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت پذیرد»، تکیه دارد. امعان نظر در اقدامات عملی و تصمیمات اتخاذ شده از سوی امام خمینی (ره) در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی حاکی از موارد متعدد اختلافات در میان جناح‌های سیاسی مختلف و نخبگان سیاسی (دولتی) بوده است که ایشان با هوشمندی، حسن فراست و عدالت به حل و فصل منازعات و مدیریت تعارض در میان آنان پرداخته و به شکل منطقی نوعی موازنه را در میان دو جناح سیاسی برقرار می‌کردند. امام امت (ره) حتی در برخورد با منافقان و گروه‌های ضدانقلاب پس از نصیحت‌های لازم، زمانی که آنان دست به اقدامات توطئه‌آمیز، خشونت و ترور زدند، دستور برخورد قاطعانه با آنان را صادر نمودند. در دوران مقام معظم رهبری نیز موارد قابل توجهی از کارآمدی و اثربخشی ولایت فقیه در حل و فصل منازعات مشاهده می‌شود. بنابراین پیروی از ولایت فقیه و پذیرش حکمیت و داوری در موارد تعارض، راهبردی مناسب برای حل و مدیریت آن است.

۷-۲ هیئت عالی حل اختلاف

در راستای اجرای بند «۷» اصل (۱۱۰) قانون اساسی، هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم

روابط قوای سه‌گانه که در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۳ با حکم مقام معظم رهبری تشکیل شد، وظیفه بررسی و ارائه نظر مشورتی در موارد حل اختلاف و تنظیم روابط قوا را به رهبری برعهده دارد.

۳-۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

زمینه تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان مرجعی برای حل و فصل تعارضات در میان نخبگان تصمیم‌گیرنده کشور به اختلاف آرای نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در سال ۱۳۶۰ برمی‌گردد. اولین بار در مرداد ۱۳۶۰ با تصویب قانون اراضی شهری از سوی مجلس شورای اسلامی و ارجاع آن به شورای نگهبان، این شورا قانون مزبور را مغایر با شرع دانست و آن را رد کرد.

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ طی نامه‌ای به امام خمینی (ره) در این باره کسب تکلیف کرد. امام در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ طی نامه‌ای، تشخیص ضرورت را به عهده اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی (با تصریح به موقت بودن حکم) واگذار کردند. از این رو در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۵ عده‌ای از نخبگان و دولتمردان سیاسی ارشد نظام که در میان آنها حضرات آیات موسوی اردبیلی، خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی بودند، از امام امت (ره) تقاضای مشخص کردن مرجع و نهادی را برای تسریع در حل اختلافات و منازعات مابین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان نمودند، که امام در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر کردند (ترابی، ۱۳۸۹: ۳۲۰). در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸، اصول (۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۷۷)، وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام را تبیین کرد که مهم‌ترین کارویژه آن، حل و فصل تعارض در میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و همچنین ارائه مشورت به ولی فقیه در موارد ارجاعی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

به بیان مقام معظم رهبری: «مجمع تشخیص مصلحت یکی از نقاط قوت قانون اساسی است. آنچه این مجمع و اصل مربوط به آن را در قانون اساسی تضمین می‌کند عبارت از پویایی

بن بست شکنی و گره گشایی از یک سو و ثبات سیاست‌های نظام از سوی دیگر است که هر دو از نیازهای اساسی این کشور و نظام است. وقتی به این مجمع نگاه می‌کنیم، هم در آنجایی که مشکلات میان شورای نگهبان و مجلس را حل می‌کند و هم آنجایی که معضلات را حل می‌کند، هم در موقعیت بسیار حساس و مهم تعیین عضو شورای رهبری دخالت می‌کند، می‌بینیم در این بخش از قانون اساسی این معانی دیده شده است؛ یعنی در واقع وسیله پویایی و تحرک دائمی و گیر نکردن نظام در بن بست‌ها و جاهایی است که به‌طور طبیعی سر راه هر نظامی پیش می‌آید. بنابراین دو بعد در مجمع تشخیص مصلحت وجود دارد که عبارت است از: بن بست شکنی، گره گشایی و پویایی از یک طرف و تعیین و تثبیت سیاست‌ها و انضباط کلی نظام از سوی دیگر، پس واقعاً مرکز بسیار مهم و حساسی است» (همان).

۷-۴ مجلس شورای اسلامی

بر اساس اصول (۷۱ تا ۷۳) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در عموم مسائل مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند. از وظایف مهم مجلس شرح و تفسیر قوانینی عادی است که در این بعد مجلس نقش مدیریت تعارض را ایفا می‌نماید. به عبارت دقیق‌تر مرجع حل اختلاف در تفاسیر مختلف از قوانین عادی، مجلس شورای اسلامی است.

۷-۵ شورای نگهبان

طبق اصل (۹۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد. مهم‌ترین کارویژه شورای نگهبان، تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلام و قانون اساسی است. طبق اصل (۹۸) نیز تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم اعضا انجام می‌شود.

۷-۶ رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور پس از مقام معظم رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای

قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که به طور مستقیم به رهبری مربوط است برعهده دارد. رئیس جمهور در مقام عمل، صلاحیت و توانایی حل تعارض در میان اعضای هیئت وزیران و نهادها، سازمانها و مدیران تحت امر خویش در قوه مجریه را داراست.

۷-۷ شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی امنیت ملی به مثابه عالی ترین نهاد و سازمان در حوزه مسائل امنیتی - دفاعی نقش مدیریت تعارض در عرصه مسائل نظامی و امنیتی را ایفا می کند. به موجب اصل (۱۷۶) قانون اساسی: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهور با وظایف زیر تشکیل می شود:

۱. تعیین سیاست های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست های کلی تعیین شده از سوی رهبری،
۲. هماهنگ کردن فعالیت های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی درباره تدابیر کلی دفاعی - امنیتی،
۳. بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی».

جدول ۲ انواع، مراجع و راهبردهای مدیریت تعارض بر مبنای قانون اساسی

ردیف	نوع تعارض	مرجع حل تعارض	راهبرد حل تعارض
۱	قوای مقننه، قضائیه، مجریه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان	ولی فقیه و نهاد رهبری	داوری فردی، ارجاع به هیئت عالی حل اختلاف، ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲	قوه مقننه، قوه مجریه	شورای نگهبان	تفسیر و رأی کارشناسی
۳	وزارتخانه ها و سازمان های زیرمجموعه قوه مجریه	رئیس جمهور	داوری فردی - ارجاع به گروه داوری

جدول ۲ انواع، مراجع و راهبردهای مدیریت تعارض بر مبنای قانون اساسی

ردیف	نوع تعارض	مرجع حل تعارض	راهبرد حل تعارض
۴	قوه مقننه، شورای نگهبان	مجمع تشخیص مصلحت نظام	داوری و کارشناسی
۵	قوه مقننه، مجریه و شورای نگهبان	مجمع تشخیص مصلحت نظام	داوری و حکمیت
۶	نهادهای سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی	شورای عالی امنیت ملی	داوری و کارشناسی

۸ نتیجه‌گیری و راهبردها

با بررسی مطالب فوق نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. اختلافات و تعارض‌های مخرب، برخلاف عقلانیت، موجب تضعیف، کاهش اقتدار و شوکت جامعه اسلامی می‌شود.
۲. زمینه اختلاف و تعارض‌ها را باید در برداشت‌های متفاوت نخبگان سیاسی از قانون اساسی و حیطه اختیار و اقتدار قوای سه‌گانه و تفاسیر گوناگون از مقررات و در برخی موارد کاستی‌ها و تعارض‌های قوانین و مقررات با همدیگر جست‌وجو کرد که در بسیاری موارد براساس آموزه‌های قرآنی ریشه در شخصیت نخبگان سیاسی و تمایلات گروهی و حزبی آنان و ویژگی‌هایی مانند کاستی عقلانیت و جهالت و نادانی، حسادت، کبر و خودبزرگ‌بینی، نفاق، دنیاطلبی و کسب قدرت، افراط و تفریط و نافرمانی از خدا و رهبر صالح جامعه اسلامی دارد.
۳. نفاق و دورویی از مهم‌ترین عوامل پیدایش اختلافات و تعارضات مخرب بوده و در قرآن به شدت از آن نهی شده است.
۴. برای حل تعارض راهبردهای قابل توجهی در آموزه‌های قرآنی و اسلامی و

همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که متناسب با موضوع قابل استفاده است.

۵. یکی از راهبردهای حکیمانه قرآن در عرصه حل تعارض، اصلاح ذات‌البین است که مختص جامعه اسلامی است. از این راهبرد زمانی استفاده می‌شود که تعارض و اختلاف میان دو گروه از مسلمانان یا مؤمنان به وجود آید. تأکید قرآن و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام بر این است که به جای شعله‌ور ساختن حقد و کینه و دامن زدن به اختلافات، شایسته است در میان افراد و گروه‌های متعارض مسلمان و مؤمن صلح و آشتی برقرار شود.

۶. حل تعارض نیازمند مدیریت حکیمانه و عقلانی است، از این رو قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌ویژه مولای متقیان حضرت امام علی بن ابیطالب (ع) مشحون از راهبردهای مدیریت تعارض در عالی‌ترین شکل حکمت و عقلانیت است.

۷. اصل قانون‌گرایی و تمکین به چارچوب‌ها و قواعد قانونی، پذیرش قواعد و اصول رقابت سیاسی عقلانی، توجه عمیق قلبی به خدا و رعایت تقوای الهی، صبر و پایداری برای مراقبت از وحدت، همدلی و برادری و پرهیز از دنیاطلبی و ... از اصول مهم پیشگیری از دودستگی، شکاف، تفرقه و تعارض‌های مخرب محسوب می‌شود.

۸. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سازوکارهای کاربردی برای حل تعارض میان قوای مختلف پیش‌بینی شده است که مهم‌ترین آنها نهاد رهبری و ولایت فقیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان است. در این بین، نهاد رهبری عالی‌ترین رکن و مرجع حل تعارض در فرایند مدیریت به‌شمار می‌آید.

۸-۱ راهبردها

براساس نتایج حاصل از این تحقیق راهبردهای زیر ارائه می‌شود:

۱. ارتقای سطح عقلانیت نخبگان سیاسی و جناح‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف

کشور و پرهیز جدی از افراط و تفریط ضرورتی عینی است؛ زیرا استمرار آن زمینه‌ساز بحران‌های خطرناک و موجب تضعیف شوکت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

۲. ترویج فرهنگ اصلاح ذات‌البین به‌عنوان راهبردی قرآنی و توحیدی برای حل تعارض در میان افراد و گروه‌های سیاسی معتقد به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران ضرورتی انکارناپذیر است.

۳. اعتقاد قلبی، التزام عملی و الگوگیری از سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام توسط نخبگان، مسئولان و مدیران و همچنین پاسخ‌گو بودن آنها در برابر قانون و مردم، اهمیت بسزایی دارد.

۴. توانمندسازی نخبگان سیاسی برای رعایت اصل قانون‌گرایی و تمکین به چارچوب‌ها و قواعد قانونی، پذیرش اصول رقابت سیاسی عقلانی، توجه قلبی به خدا و رعایت تقوای الهی، صبر و پایداری، مراقبت از وحدت و همدلی و برادری و پرهیز از دنیاطلبی دارای ضرورت مضاعف است.

۵. پذیرش حکمیت و داوری نهادهای قانونی مانند ولایت فقیه، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... از اصول مهم جلوگیری از دودستگی، شکاف، تفرقه و تعارض‌های مخرب محسوب می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ارسطا، محمدجواد (۱۳۸۱). تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه فقهی و حقوقی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.
۴. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، ج ۱۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. انصاری قمی، محمدعلی (۱۳۹۰). غررالحکم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امام علی (ع).
۶. پترس، جیمز (۱۳۸۲). چگونه مذاکره‌کننده بهتری باشیم، ترجمه مسعود کیمیایی و ابراهیم شیراسدی، تهران، انتشارات همشهری.
۷. ترابی، یوسف (۱۳۸۹). اجماع‌نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۸. _____ (۱۳۹۰). الگوهای مدیریت حل تعارض در میان نخبگان سیاسی ایران، تهران انتشارات دانشگاه علوم نظامی.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵). شعاعی از نیراعظم (ص)، تهران، چاپ سوم، انتشارات سروش.
۱۰. درخشه، جلال (۱۳۷۸). مواضع سیاسی حضرت علی (ع) در قبال مخالفین، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. رابینز. استفن و تیموتی جاج (۱۳۹۰). مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۲. رضائیان، علی (۱۳۸۲). مدیریت تعارض و مذاکره، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۵۶). زندگانی پیامبر اکرم (ص)، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه.
۱۴. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۸). «بررسی تطبیقی سبک‌های مذاکره در جهان»، فصلنامه مطالعات مدیریت، دانشکده حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۵. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک.

۱۶. سنگه، پیترو (۱۳۷۷). پنجمین فرمان، ترجمه کمال هدایت و محمد روشن، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۱۷. شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۷). شرح نهج البلاغه حضرت علی (ع)، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی.
۱۸. _____ (۱۳۶۳). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. کلینی رازی، محمدبن یعقوب (۱۳۵۹). اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات علمیه اسلامی.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ هـ. قمری). تفسیر مجمع البیان، ج ۳، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
۲۲. فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۰). «درآمدی بر نقش برنامه ریزی استراتژیک در تحقق چشم انداز ملی (مطالعه موردی: چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات پیام حق.
۲۴. قمی، شیخ عباس (۱۳۶۳). سفینة البحار، ج ۲، تهران، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۵. اداره کل تألیف قوانین و مقررات ریاست جمهوری (۱۳۸۰). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. _____ (۱۳۷۴). اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۰). میزان الحکمه، ج ۳، قم، انتشارات دارالحدیث.
۲۹. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۷). رویکردی دینی به مسئله وحدت و هم گرایی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران.

۳۱. _____ (۱۳۸۸). وصیت‌نامه الهی - سیاسی حضرت امام خمینی (ره)، تهران.
۳۲. نبوی، سیدعباس (۱۳۷۹). «اصلاح ذات‌البین در فرهنگ دینی» - فصلنامه حوزه، قم، ش ۱۰۱-۱۰۲.
۳۳. وطن‌دوست، رضا (۱۳۸۸). وحدت و هم‌گرایی در اندیشه اسلامی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

34. Schermerhorn, John. R. and et al. (2003). *The Core Concepts of Organization Behavior*, Wiley Publishers .
35. Ury, William L. and et al. (1988). *Getting Disputes Resolved*, San Francisco, Jossey-Bas Publishers.
36. www.khamenei.ir.

Archive of SID